



سومین گامش ملی

# بانو کعبه از راه اسلام

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC  
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

## علل مهجوریت حضرت خدیجه (س) در تاریخ اسلام

نرگس جواهری فر

محدثه خوانین زاده

### چکیده

حضرت خدیجه (س) نخستین بانوی مسلمان بود که همواره در تمامی شرایط، پیامبر اکرم (ص) را تصدیق و تأیید می‌کرد. این بانوی بزرگوار با مشارکت فعالانه‌اش در ترویج، تحقق و برپانگه‌داشتن آیین توحیدی اسلام، از پیامبر (ص) بسیار حمایت می‌کرد و این‌گونه، کارشکنی‌ها و سخت‌گیری‌های مشرکان را کم‌اهمیت جلوه می‌داد. وی دارای امتیازات ویژه‌ای از جمله انتساب به اهل بیت (ع) و محبوبیت در نزد خدا و پیامبرش بود. از طرف دیگر تعصبات جاهلی با این امتیازات مخالفت می‌کرد. لذا پس از رحلت رسول خدا (ص)، تلاش‌های بسیاری برای به فراموشی سپردن حضرت خدیجه (س) از طریق رفتار و گفتار و قلم صورت گرفت تا جایگاه این بانوی نمونه را بی‌ارزش جلوه دهند. از این‌رو بررسی برخی از علل مهجوریت ام‌المؤمنین در تاریخ اسلام ضروری به نظر می‌رسد که نتیجه آن، زدودن غبار تحریفات از صفحات تاریخ است تا نام و یاد شخصیت‌های مهمی همچون خدیجه (سلام الله علیها) به طور کلی از تاریخ اسلام محو نشود.

**واژگان کلیدی:** حضرت خدیجه (س)، تاریخ اسلام، پیامبر اکرم (ص)، ام‌المؤمنین.

## مقدمه

از شخصیت‌های کم‌نظیری که در جامعه ایمانی ما کمتر از او یاد می‌شود و حق بزرگی بر همه ما دارد اما در شناخت وی بسیار کوتاهی شده است بانوی بزرگ اسلام، ام‌المؤمنین حضرت خدیجه (س) است. دریغ که شخصیت و زندگی حضرت خدیجه (س) آن‌گونه که باید در تاریخ بررسی نشده و کتابها و مقالات، بیشتر به موضوعاتی همچون سن حضرت خدیجه (س) و فرزندان ایشان پرداخته شده است. پس از بعثت نه تنها شخصیت حضرت خدیجه (س) تحت الشعاع پیامبر (ص) قرار گرفت بلکه عوامل متعددی موجب شد که تلاش‌ها و از خودگذشتگی‌های وی در راه گسترش اسلام چندان دیده و بازگو نشود و در خاطره‌ها ثبت و ضبط نگردد.

لذا در این پژوهش به برخی از عوامل مهجوریت این بانوی بزرگ که به روش توصیفی تحلیلی گردآوری شده، اشاره می‌شود.

## ۱- تحریف تاریخ زندگانی ام‌المؤمنین (س)

یکی از جنایتهای منافقین در راه پرده‌پوشی حق، تحریف تاریخ زندگانی حضرت خدیجه کبری (س) می‌باشد. آنان با تکذیب حقایق و نشر آن درون تاریخ سعی در مخدوش کردن جلوه ام‌المؤمنین داشتند که نتایج زیان‌باری بر تاریخ اسلام وارد کردند. در این جا به بیان چند علت از علل تحریف زندگی این بانوی طاهره پرداخته می‌شود.

## ۱-۱- انتساب حضرت خدیجه (س) با حضرت فاطمه (س) و اهل بیت (ع)

انتساب ایشان با حضرت فاطمه زهرا (س) و همچنین با امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) اولین و مهمترین علت این امر به حساب می‌آید. (آقابابایی، ۱۳۹۸، ص ۱۰)

خدیدجه (س) مدافع خانه اسلام بود و آن گاه که اوایمان آورد خانه اسلام بر روی زمین جز خانه او نبود. منزل حضرت خدیجه (س) همان خانه‌ای است که همه فرزندان پیامبر (ص) در آن به دنیا آمدند. این خانه پرورشگاه دوشخصیت بی‌نظیر تاریخ اسلام یعنی امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) بوده است. علی بن ابیطالب از دوران کودکی در خانه رسول خدا (ص) و در پرتو توجهات مادرانه حضرت خدیجه (س) پرورش یافت و بی‌شک محیط خانه رسول خدا (ص) در شکوفایی شخصیت الهی این آبرمرد تاریخ تاثیرگذار بوده است، چنان که خود آن حضرت از آن دوران به نیکی یاد می‌کند. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲ و ۱۰۳)

این انتساب یکی از افتخارات ائمه اطهار (ع) است و داشتن مادری همچون خدیجه (س) موجب سرفرازی ایشان در مقابل دشمنانشان بوده است.

به طوری که امام حسین (ع) در روز عاشورا در ضمن خطبه‌ای خود رابه دشمن این گونه معرفی نمود و فرمود: (شمارابه خدا سوگند، آیا می‌دانید که جدّه من خدیجه دختر خویلد است.) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۱۸) همچنین یکی از افتخارات منحصر به فرد امیرالمؤمنین (ع) این است که مادرزنی همچون خدیجه (علیها سلام) دارد؛ آن گونه که روزی پیامبر اکرم (ص) در شمار افتخارات علی (ع) به آن حضرت فرمودند: تو مادرزنی همچون خدیجه (س) داری و من چنین مادرزنی ندارم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۶۸)

### ۱-۲- محبت بی حد و حصر پیامبر (ص) به حضرت خدیجه (س)

دومین علت تحریف زندگی ام المؤمنین (س) ریشه در محبت بی حد و حصر پیامبر (ص) به ایشان دارد؛ محبتی که حتی سالها بعد از وفات ایشان عرصه را برای برخی از همسران پیامبر (ص) تنگ کرده بود. به حدی که از قول یکی از آنها نقل شده است که برهیچ کدام از همسران رسول خدا (ص) به اندازه حضرت خدیجه (س) حسادت نبردم باینکه اصلاً او راندیده بودم (آقابابایی، ۱۳۹۸، ص ۱۶)، زیرا پیامبر (ص) درباره خدیجه (س) می‌فرمود: (خداوند بهتر از خدیجه راروزی من نکرده است.) (شوشتری، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۳۲)

روشن است که این احساس مهرآمیز پیامبر (ص) تنها به دلیل کمالات معنوی و فضایل اخلاقی او نبود بلکه پیامبر (ص) گسترش اسلام و محو خرافه پرستی و کفر و گمراهی رامدیون ایثار و می‌دانست. (جلال زاده میبدی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸ و ۱۴۰) همان گونه که خداوند در قرآن بنابه آیات ۳ و ۴ سوره نجم فرموده است: «پیامبر (ص) از روی خواهش دل و هوای نفس سخن نمی‌گوید و سخنانش وحی الهی است». از این رو تعریف و تمجید یا بدگویی و نفرین پیامبر (ص) و حتی در مورد همسران و انتخاب همسر از روی خواهش نفس و با انگیزه‌های بشری نبوده است.

حال اگر آن محبت بی‌اندازه را در کنار این حسادت بی‌حد و حصر بگذاریم دومین علت تحریف واضح می‌شود افزون بر این که فراموش شدن نام و یاد خدیجه کبری (س) به هر طریق، امکان یگانه‌سازی آنان را در مقام ام‌المؤمنین بیشتر فراهم می‌ساخت و در سایه فقدان ذکر و یاد آن بانوی بزرگوار در بین مسلمین زمینه رشد بهتری برایشان فراهم می‌آمد تا بدان وسیله راحت تربتوانند دین خدا را به نفع غاصبان تاویل و تفسیر نمایند و با سوءاستفاده از نام ام‌المؤمنین حجابی سترگ میان اهل بیت پیامبر (ص) و مردم ایجاد کنند و مانع دسترسی مردم به ایشان گردند.

### ۱-۳- سوءاستفاده برخی از همسران پیامبر (ص)

علت سوم تحریف زندگانی حضرت خدیجه (س) رامی‌توان در این یافت که اگر مسلمانان به حقایق زندگی سراسر نور و برکت ام‌المؤمنین دست می‌یافتند و شایسته حقیقی برخی همسران رسول خدا (ص) برای آنان روشن می‌گردید، دیگر برای آن همسران اعتبار و ارزشی قائل نبودند. (آقابابایی، ۱۳۹۸، ص ۱۶ و ۱۷)

خدیجه (س) رفتار فروتنانه و سرشار از محبتی نسبت به پیامبر (ص) داشت، به گونه‌ای که برخلاف برخی از همسران پیامبر (ص) هرگز سبب خشم و ناراحتی ایشان نشد و پیامبر (ص) هرگز ایشان را مورد عتاب قرار نداد. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۱۰)

این سه علت از مهم ترین علل دستبرد منافقین در تاریخ زندگانی ام المومنین (علیها سلام) می باشد.

## ۲- وجود جبهه نفاق و دشمنان اسلام ناب

همانطور که قبلاً اشاره شد، دشمنی دشمنان و نفاق منافقان تنها از طریق قلم صورت نگرفت بلکه آنها برای رسیدن به هدف خود از هیچ گونه تلاشی در راستای فشار روحی و جسمی به پیامبر (ص) و خانواده ایشان بخصوص در ابتدای بعثت، فروگذار نکردند.

۲-۱- سخت گیری و تهدید دشمنان: شرایط محیطی مکه و اطراف آن به گونه‌ای بود که اگر کسی اظهار اسلام می کرد با خطر مرگ مواجه می شد. بر همین اساس پیامبر (ص) همراه علی (ع) و خدیجه (س) و بعضی دیگر، سه سال تمام، اسلام خود را پنهان نمودند و در شرایط سخت تقیه بسر می بردند.

مرحله اعلام عمومی رسالت یکی از دشوارترین مراحل رسالت برای پیامبر (ص) و خانواده اوست. در این دوره خصوصاً سال‌های آغازین آن، خدیجه (س) و علی (ع) به شدت تحت فشار روحی قرار داشتند و گاه توطئه قتل پیامبر (ص) را نیز مشاهده می کردند. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۳ و ۱۷) و بر اساس یک گزارش تاریخی هنگامی که پیامبر (ص) به دعوت علنی پرداخت و تعداد پیروانش افزایش یافت سران قریش پس از چند بار شکایت به ابوطالب در دیدار آخر به او گفتند: (ماچند بار نزد تو آمدیم تا درباره برادرزاده‌ات باتو سخن بگوییم که پدران و خدایان ما را به بدی یاد نکند و فرزندان و جوانان و بردگان و کنیزان ما را از راه به در نبرد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۸۵)

و سرانجام در سال پنجم بعثت آزار و شکنجه قریش به حدی شدت یافت که تحمل آن بسیار دشوار شد و حضرت محمد (ص) تصمیم گرفت عده‌ای از مسلمانان را به سرزمین دیگری بفرستد که حتی پیامبر (ص) هزینه هجرت (به حبشه و مدینه) را از داراییهای خدیجه (س) تأمین کرد، تادرعین اینکه مسلمانان از شکنجه و آزار مشرکان، رهایی می یابند و جانشان در امان می ماند، قدری هم دین اسلام بیرون از مرزهای جزیره العرب تبلیغ و همچنین پایگاهی در خارج تاسیس شود. (میرشریفی، ۱۳۸۹، ص ۵۴) بر همین اساس نبی مکرم اسلام فرمود: (هیچ دارایی به مانند دارایی خدیجه سود نبخشید). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۶۳)

۲-۲- محاصره اقتصادی و اجتماعی: سران قریش که از پیشرفت حیرت‌انگیز آیین یکتاپرستی سخت نگران و ناراحت بودند به فکر چاره افتادند، آنها تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و اجتماعی و قطع کردن شریان‌های حیاتی مسلمانان از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و یارانش را در حصار فقر



و تبعید نابود کنند و یا به سازش و تسلیم وادار کنند. در جریان شعب ابیطالب، پیامبر (ص) و ابوطالب (ع) و خدیجه (س) اموال بسیاری در این راه هزینه کردند. حضرت خدیجه (س) در این سه سال هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه بامال خود به یاری اوشتافت. وی تمام ثروت خود را در محاصره شعب ابیطالب خرج کرد تا جایی که گفته می شود بعد از محاصره اقتصادی دیگر ثروت چندانی برایش باقی نماند. مادری عین حال سختی هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می شد تا سرحد مرگ تحمل کرد. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶ و ۱۲۸)

ولی با همه اینها در کتابهای تاریخی تلاش برای این شده است تا نقش ام المومنین را کم رنگ و کم اهمیت جلوه بدهند.

### ۳- تاثیر گذاری حضرت خدیجه (س) در پیشبرد اسلام ناب

حضرت خدیجه (س) در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خدمات بسیاری برای آن حضرت و دین خدا انجام داد. حمایت های ایشان از نبی مکرم اسلام مورد اتفاق همه تاریخ نگاران است و در روایتی رسول خدا (ص) خدیجه (س) را (صدیقه امت اسلامی) نامیده و فرمودند: (هذه صدیقه أمتی). (دمشقی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۲)

۳-۱- حمایت های عاطفی و معنوی: تصدیق و تأیید پیامبر (ص) در روزگار غربت و تنهایی و یاری ایشان در برابر مشرکان، گوشه ای از خدمات ارزشمندی است که آثار آن در دوره مهم زندگی پیامبر به خوبی آشکار است.

مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم (ص) را ناراحت می کردند و از این ناحیه مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر گذاشتند، اما به خواست خداوند همه ی این گرفتاری ها به نوعی توسط خدیجه (س) جبران می شد.

این بانوی بزرگ، موقعیت پیامبر (ص) و مشکلات آن حضرت را به خوبی درک می کرد و در پیشبرد اهداف پیامبر (ص) تلاش می نمود. سخنانش را تصدیق می کرد و او را از همه ی غم ها و غصه های رهانید. آن گاه که محمد (ص) از غار حراء برگشت و خدیجه (س) را از رسالتش آگاه کرد، وی بی درنگ آن حضرت را تأیید نمود و به درستی گفتارش ایمان آورد و نخستین زنی بود که به آن حضرت ایمان آورد و در حق او دعا کرد. این بانوی بزرگ نه تنها از عمق جان به رسالت پیامبر (ص) ایمان آورد بلکه او را در برابر سختی ها و تکذیب مشرکان و بدخواهان یاری داد؛ تا زنده بود اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان بر رسول خدا (ص) سخت آید. وی هیچ گاه در آسایش نبود چون کافران همواره در صدد برهم زدن آرامش خانه رسول الله و آزار رساندن به ایشان بودند. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۰۶ تا ۱۱۲)

باین حال بانوی پارسای پیامبر (ص) بادرایت و صبر، محیط خانه را آرام می‌ساخت و از تجاوز کینه‌توزان به حریم امن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جلوگیری می‌کرد و با فداکاری های شجاعانه و قهرمانانه اش مانند یاری مخلصبایثاری کامل از همسرش حمایت می‌کرد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۳۲)

۲-۳- حمایت‌های مالی: خدیجه (س) پس از ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همه دارایی خود را به ایشان بخشید تا آن‌گونه که می‌خواهد به مصرف برساند.

حمایت اقتصادی او در یاری رساندن پیامبر (ص) مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت و منجر به آرامش روحی ایشان گردید. دین نوپای اسلام در مرحله نخستین خود در مواجهه با کفار و مشرکان ثروت پرست مکه نیاز فراوانی به حمایت‌های مالی داشت و این مهم به خواست خداوند از طریق اموال فراوان خدیجه (س) تحقق یافت. اموال وی در دوران بحرانی سه ساله شعب ابیطالب و در حمایت از مسلمانان نیازمند و همچنین برای جذب برخی کفار به اسلام هزینه شد.

این بانوی بزرگ از روز آشنایی با پیامبر (ص) تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام و از آغاز مخالفت زورمداران با پیامبر (ص) و پیام او، و تا اوج فشار دشمن و تا محاصره همه جانبه و تبعید، همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه‌ای از برق شمشیرها نهراسید و با همه وجود نشان داد در راه عدالت است. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۱۲۱) اوزنی بود که در اثر ایمان و فداکاری به جایی رسید که خداوند به او سلام رسانید (مجلسی، ۱۴۰۳، ق،

ج ۱۸، ص ۳۸۵) و نه تنها این همه ناملازمات را تحمل کرد بلکه تمام تلخی‌های سیاسی و اجتماعی آن روز را که قلب نازنین پیامبر خدا را مجروح می‌ساخت ترمیم نمود و وی را در ادامه سیرالهی اش یاری داد و مایه آرامش شوهر گشت.

خدیجه (علیها سلام) گرچه در سطح شهر نقش دفاعی ابوطالب (ع) را نداشت اما در محیط خانه همسری مهربان و فداکار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بلکه پشتیبانی صدیق و صمیمی برای اسلام و مایه دلگرمی و آرامش خاطر رسول خدا در برابر فشارها و مشکلات بود. پیامبر اسلام تا آخر عمر، خاطره خدیجه (س) را گرامی می‌داشت و پیشگامی او در اسلام و رنجها و زحماتش را فراموش نمی‌کرد. (پیشوایی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹)

همین حمایت‌های صادقانه خدیجه (س) پشتوانه بزرگ پیامبر برای مقاومت در برابر تمام سرسختی‌های جاهلانه و حرکت‌های نابخردانه برای شکستن مقاومت پیامبر (ص) در برابر افکار سخیف، خرافات و انحرافات فکری عملی بود. از این رومشکران در صدد برداشتن عناصر حامی پیامبر (ص) از جمله حضرت ابوطالب (ع) و خدیجه (س) بودند. (جلال‌زاده میبدی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸ و ۱۶۰)

## ۴- رسوخ جاهلیت در اندیشه اعراب

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیشتازترین زن در تاریخ اسلام، در گرایش به حق و عدالت است و این پیشتازی در اسلام، پیشگامی در ایمان، در نماز و نیایش با خدای یکتا و برپایی فرهنگ و منش مترقی از ویژگی‌های معنوی درخشان او به شمار می‌رود به ویژه که در آن شرایط تیره و تار جاهلیت، مخصوصاً در مورد زنان و دختران که بیشتر قربانی تاریک‌اندیشی‌ها و تعصب‌های کورکورانه و خرافه‌سازی می‌شدند. خدیجه هم به خاطر موقعیت اجتماعی و اقتصادی و مدیریتش به طور طبیعی می‌بایست در اردوگاه مخالفان نهضت توحیدگرایان محمد (ص) قرار بگیرد، نه در اردوگاه نواندیشان و ایمان آورندگان به آموزه‌های ستم ستیز و وحی و رسالت، تا چه رسد که از پیشتازان و پیشگامان اسلام و ایمان و آزادی گردد (وزنه، ۱۳۸۵، ص ۷) و البته این رفتارهای او با سرزنش‌های تلخ قریش همراه بود.

برخی زنان آن روزگار، با ارزش واقعی مفاهیمی چون خوش رفتاری، راست‌گویی و امانت‌داری بیگانه بودند و فلسفه ازدواج زنی ثروتمند با مردی تهی دست را درک نمی‌کردند. از این رو هر فرصتی را مغتنم می‌شمردند و لب به طعن می‌گشودند و خدیجه (س) را می‌آزردند. زنان مکه با او رفتاری نارواداشتند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۱۷) ولی او که در کنار همسرش احساس آرامش می‌کرد برای رویارویی با افکار جاهلانه زنان، آنها را جمع کرد و فرمود: (از شما می‌پرسم آیا کسی مانند محمد در نیکویی، نیک رفتاری، خصلت‌های پسندیده و فضیلت و شرافت در تمام سرزمین عرب سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید. زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه (س) همگی سکوت کردند و بتدریج پراکنده شدند.) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۸۱)

در آغاز زندگی برای جلوگیری از بهانه‌تراشی‌های مخالفان در ازدواج با پیامبر (ص) مهریه و صدق خود را برعهده گرفت. پس از ازدواج نیز برای جلوگیری از سیل اتهاماتی که به حضرت محمد می‌زدند و از سرکینه و حسد آن حضرت را تحقیر می‌کردند و تهی دست و یتیم می‌خواندند پسرعمویش را خواست و تمام اموال و دارایی‌های خود را به محمد (ص) هدیه نمود و یادآور شد که این همه اموال و دارایی از این پس ملک محمد (ص) است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند.

زنان مکه از روی عناد با اسلام از خدیجه دوری می‌کردند، به خانه او نمی‌رفتند، به او سلام نمی‌کردند و نمی‌گذاشتند زنی با او دیدار کند؛ از این رو وحشت و هراس بر خدیجه روی آورد و از این که مبدا به رسول خدا آسیبی برسانند سخت غمگین و ناراحت شد. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹ و ۱۳۴)



حتی هنگامی که درد زایمان (هنگامه ولادت حضرت فاطمه (س)) به سراغ ایشان آمد به واسطه فرستاده‌ای از زنان قریش یاری طلبید ولی زنان قریش با سرزنش ایشان که به سخن ماعتنا نکردی و بایتم ازدواج کردی، استمداد ایشان را رد کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۸۰)

ولی باورهای حضرت خدیجه (س) به قدری عمیق و ریشه‌دار بود که سرسختانه در برابر افکار و اقدامات جاهلی پایداری کرد و بنا به روایتی از پیامبرگرامی اسلام (ص) فرمودند: (بافضیلت‌ترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه (س) - فاطمه (س) - مریم (س) - آسیه (س)). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۶)

در نتیجه دشمنان اهل بیت (ع) همواره در صدد محو نام و یاد ایشان بودند زیرا می‌دانستند که هویت شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) با نام خدیجه (س) گره خورده تا آنجا که ایشان یکی از شعائر و نمادهای اسلام ناب محمدی و شیعیان اهل بیت (ع) به شمار می‌رود. (جلال‌زاده میبدی، ۱۳۹۸، ص ۱۷ و ۱۴۱)

## منابع

### • قرآن کریم.

۱. آقابابایی، مهدی، (۱۳۹۸)، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون خدیجه (س)، اصفهان: انتشارات نور الحیات.
۲. پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۲)، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی.
۳. جلال‌زاده میبدی، سید محمد حسین، (۱۳۹۸)، ام‌المؤمنین خدیجه (س) از ولادت تا شهادت، انتشارات مشهور، چاپ هفتم.
۴. دمشق، اسماعیل بن کثیر، (۱۴۰۸ق)، البدایة والنهایة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۰۵ق)، سیر اعلام النبلاء، محقق: گروهی زیر نظر شعب الارناووط.
۶. شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۸)، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. فرحزاد، حبیب الله، (۱۳۹۹)، خدیجه (علیها السلام) بانوی بزرگ اسلام، قم: انتشارات طوبای محبت.
۸. گروهی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، همسر آفتاب، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۱۰. میرشریفی، علی، (۱۳۸۹)، درسنامه آشنایی با تاریخ اسلام (پیام آور رحمت)، تهران: انتشارات مشعر.
۱۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۳۳۴ق)، صحیح مسلم، استانبول: دارالطباعه العامره.

۱۲. وزنه، مهدی، ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (س).